

از دانشگاه تا خیابان!

چند روز به ۱۶ آذر ۱۳۸۸

روز تجلی شعار "اتحاد- مبارزه- پیروزی"

براستبداد حاکم مانده است

امیرجوهری لنگرودی
amirjavaheri@yahoo.com

پرشس اساسی این است آیا مبارزه سراسری دانشجویان درپهنه و صحنه امکان و شرایط موجود و قدرت عنان گستر سرکوب، می تواند از سد همین سرکوبگری ها گذر کند و خود را با مبارزات طبقاتی اکثریت زحمتکشان جامعه پیوندزند یا نه؟ چند روزی به ۱۶ آذر درگستره یک اعتراض وسیع و عمق یافته توده ای مانده است. چند روز دیگری که می توان آنرا جان مایه یک جنبش همگانی و تاحدی راه گشاشمرد. نباید از یاد برد که ۱۶ آذر، به مانند روز قدس و روز ۱۳ آبان، روزی دولتی و از جنس و نشانه های به جا مانده از حاکمیت اسلامی نیست. بزبانی مراسم مورد پذیرش رژیم نیست. تنها از همین روست که نظام اسلامی در تمامی ۳۰ سال گذشته تلاش کرده است، به هر طریقی از برگزاری مستقل این روزمانعت به عمل آورد و آنرا از سر راه خود بردارد. همانگونه که نظام سلف آنان (دستگاه مختنق پهلوی) نیز این روز را با سرکوب و دستگیری و کشتاندن تمامیت نیروی گارد در درون دانشگاهها و کوی دانشگاهها، پاسخ می گفت و ساواکش در درون زندان ها با عربده کشی به دانشجویان دستگیر شده فرمان می راند. به یک عبارت؛ روز (۱۶ آذر)، با پیشینه دادخواهی چپ و سنت آنان در پهنه رویارویی ها با دیکتاتوری حاکم و با تجلی شعار (اتحاد – مبارزه – پیروزی) در بیش از پنج دهه با فراز و فرودهایی همراه بوده است.

روز ۱۶ آذر از سال سی و دو (۱۳۳۲) به این سو، روز تاریخی تجدید عهد با جان باختگان این حماسه، سه قطره خون به نام های مصطفی بزرگ نیا، مهدی شریعت رضوی (از اعضای هیبري سازمان جوانان حزب توده ایران) و احمد قندچی (عضو جبهه ملی ایران) شمرد که محمد رضا شاه با پهن کردن فرش قرمزی به زیر پای نیکسون، فرستاده رییس جمهور وقت امریکا، آیزنهاور گشود و بعدتر با مبارزات همه جان باختگان مبارز جنبش دانشجویی کشور ایران همراه گشته است.

از آن روز تا به امروز، مراسم ۱۶ آذر، هیچگاه شکل سوگواری و تعزیه گردانی برای این سه مبارز راه آزادی به خود نگرفته است. از آن روز تا به امروز همه سوسیالیست ها، جانبداران سنت چپ و جنبش آزادیخواهی ایران، به صف می شوند تا جدای از نگرش نظری گروه، جمعیت، حزب، سازمان خویش، موجودیت این روز و جنبش دانشجویی و مطالبات آزادیخواهانه آنرا در برابر هرگونه گردنکشی دیکتاتوری، همچنان زنده بدارند و تلاش نمایند تا این روز را به روز مبارزه برای صلح، مبارزه برای آزادی و برابری و عدالت اجتماعی، اتحاد وسیع برضد امپریالیسم و دیکتاتوری و ستم ارتجاع و استبداد و روز مبارزه برای پیروزی مردم و نیل به استقلال و تمامیت ملی در رویارویی با تمامیت رژیم های دیکتاتوری بدل نمایند. هر آنگاه که این جنبش دادخواهی با تنگ نظری گروهی معین غصب گردید آنچنان عوارض سنگینی از خود به جای گذاشت که تا مدت ها خود دانشجویان در پی پرداختن هزینه های آن در تب و تاب به سر برده اند. تنها از همین رو است که در این روز دانشجویان دختر و پسر، در طی بیش از پنج دهه به صف می گردند تا بانفی فرقه گرایی و یک جانبه نگری، گزینش نوعی انتخاب عمل آگاهانه با بی عملی، وداع گویند. متحد می شوند تا فریاد و مبارزه را بانظاره گری و سکوت عوض نمایند. فراخوان می دهند تا با گزینش مبارزه علیه خفقان و دیکتاتوری، نماد وفاداری به مردم و منافع آنان، دوری خویش از گردن فراری حاکمان را به نمایش بگذارند.

اما امسال ۱۶ آذر، دیگر تنها روز دانشجویان نیست، بلکه روز ملتی به پاخواسته بر علیه دیکتاتوری هم است. چرا که ۱۶ آذر امسال در شرایطی برپا داشته می شود که جنبش اعتراضی و دادخواهی مردمان ایران، دوره گذار بیوناسکی را در برابر کلیت نظام فاسد و ارتجاعی، ضد آزادی و فرهنگ، جمهوری اسلامی ایران را از سر می گذراند. مردمان ایران عزم خود را در عبور از سکان رهبری ولایت و همه سرکوبگریهای آن مصمم می یابند تا از آن بگذرند و دستگاه جماران نیز با تمام قوای امنیتی- نظامی- بسیج و لباس شخصی و قوای پیاده و سواره می خواهند به هر قیمتی شده حتی برپایی چوبه های دارخیابانی، راه انداختن حمام خون، همچنان سلطان جماران باقی بماند. اینگونه است که دادستان کل کشور، محسنی اژه ای با شمشیری از نیام برکشیده، پنجشنبه ۲۷ آبان اعلام می دارد: "قوه قضائیه مصمم است تا با تکرار هرگونه ناآرامی تازه، توسط معترضان به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ایران به صورت قاطع و بازدارنده برخورد کند." غلامحسین محسنی اژه ای، در گفتگوی ویژه خبری روز، به معترضان هشدار داده است که "از این به بعد با هرگونه اقدامی که بنا بر ادعای وی «موجب اخلال در نظام شود»، بدون هیچ اغماضی برخورد خواهد شد و هیچ عذروبهانه ای پذیرفته نیست" (مطبوعات داخل کشور)

پرسش دیگر این است که: آیا در ۱۶ آذر امسال، دانشجویان با چگونه راهکاری خود را روبرو می بینند، باقی ماندن در درون دانشگاه و یا کوی دانشگاه و سرکردن با نیروی خود، یا گره خوردن با جنبش خیابانی و بهره گیری همه سویه از تمام ظرفیت ها و توان سراسری خود در امر روبرویی با کلیت رژیم رابه نمایش خواهد گذاشت؟

واقعیت اینست که؛ تاکنون جنبش اعتراضی عموماً در تهران و شهرهای بزرگ و جغرافیای ملی ایران (کردستان- آذربایجان- سیستان و بلوچستان - اهواز و...) تمرکز یافته است. باید این سطح از بسته عمل کردن را شکست. باید سازماندهی حرکت دانشجویی را نه در سطح تهران بزرگ بلکه به تاسی از نشانه روی آنچه که در ۱۳ آبان امسال شاهدش بودیم، در سطح تمامی استان ها، شهرستان ها و با درهم شکستن سد جدایی رابطه همه دانشجویان و درهم تنیدگی همه گرایش های موجود جنبش دانشجویی در بین دانشگاه های دولتی و دانشگاه های آزاد سراسر کشور فراهم آورد. واقعیت اینست که ما امروز در بیش از ۲۰۰ استان و شهرستان، با ترکیب گسترده دانشجویان در سطح بیش از ۵۰۰ دانشگاه، دانشکده، مدرسه عالی در سراسر ایران پوشش می یابد، روبرو هستیم. باید همه آنان - همانطور که در لیست زیر می آید - در پیکره هماهنگی و سازمانیابی این مرحله از مبارزه که هر کدام آنان هزینه سنگینی نیز تا به امروز پرداخته اند، بتوانند هر یک خود به پایه اساسی اعتراضات سراسری مبدل گردند. آنچه که در فاصله ۱۳ آبان به اینسو انجام پذیرفت اگر طی روزهای آینده، به زنجیره پیوند متحد قدرتمند این تحركات پیشروی مابه حرکت درآید، بیش از هر چیز ماشین سرکوب حکومتیان کند می گردد و قدرت مدافعه و مقاومت مبارزین در درون جنبش خیابانی فزونی می یابد. امری که دانشجویان طی پیام های خود نیز تا حدی بدان اشاره داشته اند.

تنها از همین رو و برپایه گزارشات تاحال منتشر شده - بویژه طی هفته های اخیر - ما شاهد لیستی از احضارها و دستگیری وسیع دانشجویان در اشل سراسری هستیم. از جمله در: دانشگاههای امیرکبیر - شیراز - ایلام - دانشگاه آزاد تبریز - دانشگاه رازی کرمانشاه - ارومیه - مهاباد - بابل - دانشجویان دانشگاه مازندران - فضای امنیتی در دانشگاه بین المللی قزوین - چهارمحال و بختیاری - دانشجویان دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد - علم و صنعت تهران - دانشکده برق و کامپیوتر دانشگاه تهران - احضار ۱۸ دانشجوی دانشگاه صنعت آب و برق - دستگیری و احضار دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر تهران - دانشجویان دانشگاه صنعتی سهند - دانشجویان واحد ماهشهر پلی تکنیک - دانشگاه شهید چمران اهواز - احضار ۱۵۰ دانشجوی دانشگاه آزاد اهواز - دانشگاه صنعت نفت آبادان - دانشگاه آزاد نجف آباد - دانشگاه شهرکرد - دانشگاه صنعتی شاهرود - علامه طباطبایی - ماهشهر - ادوار تحکیم وحدت - دانشگاه گیلان، حدود ۲۰ نفر از دانشجویان معترض به سخنرانی ۱۷ آبان صفارهرندی به کمیته انضباطی دانشگاه احضار شده اند. چهره های فعال دانشجویی در لیست نامبرده بالا که - اسناد و مدارک آن موجود و بخشا منتشر نیز شده است - از میان این لیست پر شمار، دانشجویان تا به امروز بشکل فردی و دسته جمعی احضار، دستگیر و به زندان برده شدند تا رژیم به خیال خام خود، بتوانند با زهرچشم گرفتن از فعالین جنبش دانشجویی دختر و پسر و مرعوب کردن آن ها و هم چنین به عقب نشینی و داشتن دانشجویان از حضور یکایک فعالین در صحنه اعتراضات سراسری ۱۶ آذر ۸۸، جلو گیرد و با خالی دیدن میدان نبرد، بخواهد سرکوب خشن تری را در سطح سراسری جامعه ایران اعمال کنند. از یک سو علیرغم این موج وسیع دستگیری ها، فرمانده ناجا در پاسخ به سؤال گزارشگر خبرگزاری کار ایران - ایلنا، در تاریخ ۳ آذر ۸۸، در رابطه با اقدامات پلیس به مناسبت ۱۶ آذر ۸۸ گفت: "هنوز برنامه خاصی که قرار باشد اتفاق بیفتد اطلاعی نداریم اما هر تجمعی باید به صورت فراخوان و قانونی اتفاق

افتد اگر غیر قانونی باشد پلیس با آن برخورد قاطع می کند... " وی در مورد افزایش حضور نیروهای پلیس در سطح خیابان‌ها در روز ۱۶ آذر ادامه داد: "بستگی دارد که در آن روز چه اتفاقی بیفتد و در حال حاضر تصویری از اتفاق آن روز نداریم بنابراین نمی توانم پیش‌بینی برنامه پلیس را ارائه دهم." از سوی دیگر، این سخن - همانگونه که در بالا آوردم - در شرایطی عنوان می گردد که دادستان کل کشور، محسنی اژه ای اعلام داشته است: " قوه قضائیه مصمم است تا با تکرار هرگونه ناآرامی تازه توسط معترضان به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ایران به صورت قاطع و بازدارنده برخورد کند..." در مقابل این قداره کثی بازم این سؤال مطرح است؛ چه سلسله عوامل در هم تنیده ای به همگامی و پیکار پیش برنده جنبش دانشجویی در آستانه ۱۶ آذر امسال و بعد از آن تا سالگرد انقلاب، بیش از پیش به این جنبش یاری می رساند؟

این نکته که رژیم با همه ابزار سرکوبگریش، قادر نشده تا به امروز جلوی گسترش اعتراضات دانشجویی را بگیرد و دانشجویان با همه هزینه های گزافی که پرداخته اند، همچنان در صحنه مبارزه اند، خود نشانگر این واقعیت است که حکومتیان، از یک سو چه میزان در بین دانشگاهها و توده دانشجویان و گرایشات مختلف درون آنان منزوی هستند و از سوی دیگر همین امر نشانگر ظرفیت بالای اعتراض در جنبش دانشجویی را معنی می بخشد و نیز نشان میدهد که طی سال های اخیر جنبش دانشجویی ظرفیت توده ای بیواسطه تری یافته است. تجربه تا به امروز مبارزه و هزینه های زندان، شکنجه، اخراج از دانشگاه ها، ممنوعیت از ترم تحصیلی، ستاره دار شدن و قتل دانشجویان و غیره... این سطح تجربه عینی مبارزه را به یکایک دانشجویان سوسیالیست و ترقیخواه آموخته است که تنها با تلفیق دو سطح از مبارزه مخفی و علنی و سازماندهی هسته های مبارزاتی با درجاتی چند گانه و با ظرفیت های مختلف، می تواند این مبارزه دشوار را به پیش برد. این آن نکته ایست که پلیس سیاسی امروز بیش از گذشته با تمام قوا نسبت به پیشروی این جنبش، چنگ و دندان نشان میدهد تا به هر طریقی جلوی سازمانگری سراسری این مبارزه را سد کند و نگذارد مراسم ۱۶ آذر به خیابان ها کشیده شود. باید برای درهم شکستن چنین مانعی، تنها با تکیه به گسترده ترین سطح اتحاد عمل موقت و پایدار و همسو شدن با عنصر توده ای این مبارزه و هماهنگی و پیوند دانشجویان بشکل توانمند و پرورش ترین خواست های طیف های مختلف دانشجویی و جامعه انگشت گذارند. باید مضمون این مرحله مبارزه را در سطح توده ای ترین شعارها با خود همراه گرداند و آن خواست آزادی فوری و بی قید و شرط همه دستگیر شده گان جنبش ضد استبدادی و پایان دادن به احضارها و پرونده سازی ها است دانشگاه ها باید از وجود نیروهای گارد و لباس شخصی و نیروی سهمیه چماق دار پاک شود. باید اساتید مورد پذیرش دانشجویان به محیط تدریس بازگردند و غیره... برای مقابله جویی حساب شده، لازم است که توده دانشجویان ضمن هماهنگی با دانشگاههای گوناگون در تهران بزرگ و کوچی دانشگاه، هماهنگ سازی این حرکتها با اقدامات سراسری در بیش از ۲۰۰ شهرستان دانشگاهی، با در نظر گرفتن تقویت دو سطح رهبری مخفی و علنی و همگامی با جنبش اعتراضی زنان، مادران عزو مادران اعدامی و خاوران، مادران ناپدید شده گان جوانان و مبارزان خیابانی دوره اخیر، خانواده های قتل های زنجیره ای سیاسی روشنفکران و فعالین سیاسی و نویسندگان، معلمان، پرستاران، کارگران و زحمتکشان، جلب حمایت یکایک آنان، گام های اساسی را بردارند. این مبارزه در شرایط نابرابر اما قابل توده دانشجویان، پلیس سیاسی، تنها با چنین همگامی، نقشه مندی، سازمانگری، همراهی با دیگر جنبش های اجتماعی و در یک کلام پیوستن دو سطح از مبارزات عمومی سیاسی ضد استبدادی با شورش گرسنگان و تهیدستان جامعه ایران و در همگامی با هم و آنان سنجید. این آمیزش نقطه امید آفرینی چشمان منتظر میلیون های انسان ایرانی رنج و کار و واژگونی نظام و طالب آزادی و برابری، در درون ایران و در سراسر گیتی ایست. دانشجویان دانشگاه های سراسر ایران در ۱۶ آذر امسال می باند با کشاندن خود از دانشگاه به صحنه پیکار خیابانی، آفرینشگر این تجانس باشد. چنین باد!